

بازدید از شهر ناصره محل حمل بی بی مریم



دیپلیمان: الحاج محمد شاه (پیمان) سویدن

بیت لحم جنوری ۲۰۱۹
۱۳۹۷



www.masjed.se

تتبع ونگارش:
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

بسم الله الرحمن الرحيم

بازدید از شهر ناصره محل حمل بی بی مریم



ماه جنوری سال ۲۰۱۹ م. طی یک سفر به بیت المقدس فلسطین از شهر ناصره و اماکن مقدس ادیان ابرهیمی نیز بازدید نمودم. شهر و ولایت ناصره یکی از سرسبزترین و زیباترین شهرها و در شمال فلسطین در حدود ۶۶ میل از بیت المقدس فاصله قرار دارد. این شهر محل حمل بی بی مریم مادر حضرت عیسی (ع) و از شهرهای مقدسی و به اصطلاح زیارتگاه برای پیروان مذهب مسیحی بشمار میرود. اهمیت این شهر کمتر از بیت المقدس برای مسیحیان نمی باشد. کلیساهای متعدد و مشهوری در این شهر توسط مسیحیان اعمار گردیده که از جمله میتوان از کلیسای البشاره و البلاطه نام برد.

هکذا در این شهر چشمه مریم

باکره که به اصطلاح آب شفاف و برای بسیاری از امراض مداوا می باشد، در این شهر وجود دارد.

در این شهر مسیحی پیروان هر سه دین ابراهیمی (مسیحیان، مسلمانان، و یهودان جدید تقرر (سالهای ۱۹۴۸ م.) با هم یکجا زندگی می نمایند ولی اکثریت باشندگان این شهر را مسلمانان تشکیل میدهند. طوریکه متذکر شدیم در این شهر مسلمانان دارای نفوس بیشتر ولی ملکیت عقاری شان کمتر، ولی تعداد یهودان جدید التقرر کمتر ولی دارایی عقاری وسیعی هستند، تعداد یهودان مطابق احصایه سال ۲۰۰۸ میلادی به ۷۵ هزار تن میرسد. میگویند همین حالا یهودان به فروش ملکیت های خویش در این شهر آغاز نموده اند و میخواهند خود را از زندگی عزل و محاصره نظامی نجات دهند.

از جمله نفوس شهر ناصره ۶۵ فیصد آنان را مسلمانان تشکیل میدهد، و رهبریت اداری این ولایت را مسلمانان در انتخابات پارلمانی به اسانی بدست آوردند.

در شهر ناصره مسلمانان با مسیحیان در طول تاریخ روابط بی نهایت دوستانه، و این روابط تا به امروز به همان قوت و دوستی آن پا بر جا است.

آذان الله اکبر در کلیسا شهر ناصره :



طوری که در فوق هم یاد اور شدیم روابط عننوی دوستی در بین مسلمانان و مسیحیان با چنان قوت در شهر ناصره انکشاف نموده ، که روابط دوستی پیروان هر دو دین ابراهیمی به همکاری های تعاونی و دوستی دینی بین کلیسا و مساجد هم انجامیده است . از جمله زمانی که حکومت اسرائیل تصمیم گرفته بود که صدای آذان الله اکبر را در بیت المقدس ممنوع اعلام بدارد کلیسای مسیحی در

شهر ناصره ، به رسم دوستی از همه کلیسا ها شهر ناصره بجای صدای ناقوس ، صدای آذان الله اکبر را در پنج وخت سر دادند ، و یکجا با مسلمانان در اعتراضات و مظاهرات خیابانی بر ضد ممنوعیتی آذان در بیت المقدس همبستگی خویش را با مسلمانان اعلان داشتند . در اثنای این تضامن و همکاری و تظاهرات مشترک مسلمانان و مسیحیان در یکی از شعار ها که توسط جوانان مسیحی حمل میشد ، نوشته شده بود : «**اشغالگران ، نمی توانند آذان بلال را خاموش کنند**» .

برخی از محققان مسیحی بدین باور اند که حتی حضرت مریم علیها السلام در شهر ناصره متولد شده است . بشارت تولد حضرت عیسی مسیح علیه السلام در این شهر به او داده شده است . آن حضرت در این شهر پرورش یافت و قسمت اعظم عمر خود را در آن گذراند . تخلص «ناصری» حضرت عیسی و شاگردانش بنابر موجودیت و زندگی مدت طولانی آنحضرت رادر این شهر بدست آورده است .

شهر ناصره در سال ۶۳۴ میلادی توسط مسلمانان ، تحت لوای سردار شرحبیل بن حسنه فاتح شمال فلسطین ، فتح گردیده است .

این شهرک زیبا از آن زمان مورد مناقشه اروپایی ها و مسلمانان گشت تا اینکه در سال ۱۵۱۷ م - ۹۲۳ هجری شمسی ، جزو قلمرو امپراطوری عثمانی واقع گردید .

در این شهر در جنب کلیسای شهیر ، مساجد زیبا و مشهوری هم وجود دارد . درین شهر اولین مسجد در اوایل قرن ۱۹م ساخته شد . آثار دینی و مقبره های شهداء ، هم در این موجود بوده و این شهر در ۱۹۴۸/۰۷/۶ م . به اشغال حاکمیت اسرائیل درآمد .

مردم این محل مهمان دوست ، خوش برخورد و مصروف برزگر و صنعت کار و تجارت اند .

بی بی مریم اصلاً از شهر ناصره جلیلی بود و در همین شهر متولد شده است ، نام بی بی مریم در قرآن عظیم الشان 34 بار ذکر یافته و سوره از قرآن عظیم الشان بنام بی بی مریم می باشد .

همچنان نام بی بی مریم در انجیل تذکر گرفته. در اسلام بی بی مریم دختر عمران و در روایت انجیل از نسل هارون از قوم لاوی معرفی شده ولی به روایت مسیحیان سلسله نسب بی بی مریم به داوود علیه السلام میرسد.

پیش از تولد مریم، مادرش نذر کرده بود که طفلش را برای خدمت به بیت المقدس وقف خواهد کرد، بنا بعد از تولد طفل نوزاد بادر نظر داشت اینکه دختر بود در پارچه‌ای پیچانده و به مسجد آورد و به بزرگان بنی اسرائیل گفت: این کودک نذر مسجد است.

قرآن عظیم الشان و داستان بی بی مریم:

چون مادر بی بی مریم از خانواده‌ای بزرگ و محترم بود، برای سرپرستی این نوزاد، نزاعی بین سرپرستان و مسؤولین بیت المقدس صورت گرفت: قرآن عظیم الشان در مورد می فرماید: « ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْفُونَ أَفْلامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ » (اینها از خبرهای غیبی است که ما به تو وحی می‌کنیم، حال آنکه تو نزد آنان نبودی، آنگاه که قلم‌های خود را (برای قرعه کشی) می‌افکندند تا (به وسیله قرعه معلوم شود که کدامیک) کفالت مریم را بر عهده بگیرد.

بنا کاهنان و علمای بنی اسرائیل برای کفالت و سرپرستی مریم با هم نزاع و اختلاف پرداختند، در نهایت فیصله به انداختن قرعه در این بابت کردند، بعد از قرعه کشی قلم‌های خود را به آب انداختند، همه قلم‌ها به زیر آب فرورفت به جز از قلم زکریا (ع) که روی آب ماند، بنا زکریا کفالت مریم را بدوش گرفت.

قابل تذکر است که مطابق منابع اسلامی زکریا در ضمن شوهر خاله بی بی مریم نیز می‌باشد، زکریا (ع) (در بلند ترین نقطه از این کلیسا اطاقی را برای مریم بنا کرد، و روزانه چند بار توسط زینه به این اطاق بالا میرفت و وسایل معیشت و زندگی مریم را مهیا می‌ساخت.

قرآن عظیم الشان درباره سرپرستی بی بی مریم (آیه ۳۷ سوره آل عمران) می‌فرماید: « فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ » (پس پروردگارش او را به پذیرشی نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رویاند و سرپرستی او را به زکریا سپرد. هرگاه زکریا در محراب عبادت بر مریم وارد می‌شد، خوراکی (شگفت‌آوری) نزد او می‌یافت. می‌پرسید: ای مریم این (غذا و خوراک تو) از کجاست؟! مریم در جواب می‌گفت: آن از نزد خداست. همانا خداوند به هرکس که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد.) در آن جا بود که زکریا (ع) (با دیدن کرامت و شخصیت مریم) به پیشگاه پروردگارش دست به دعا برداشت و گفت: « هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ » پروردگارا! مرا [هم] از سوی خود فرزندی پاک و دل‌پسند عطا کن! بی‌تردید تو شنوای دعایی. (آیه 38 سوره آل عمران)

چگونگی حامله شدن بی بی مریم در انجیل:

مطابق روایت انجیل بی بی مریم، در عقد شخصی به نام یوسف بود، اما قبل از آمیزش با همسر خود، او را از «روح القدس» حامله شد و تا زمان تولد حضرت عیسی (علیه السلام) با وی هم‌بستر نشد. از عبارت فوق چنین فهمیده میشود که بی بی مریم، پس از

تولد حضرت عیسی (علیه السلام) به نکاح یوسف در آمد ، بنابراین «باکره بودن» حضرت مریم، تنها تا زمان تولد حضرت عیسی (علیه السلام) است. همچنان کتب اناجیل در روایاتی مختلفی نگاشته است که حضرت عیسی علیه السلام دارای خواهران و برادران نیز می باشد.

یک گروه از مسیحیان یعنی پروتستان ها که کتاب مقدس را بر سنت کلیسایی مقدم می دارند، معتقد به دوشیزگی حضرت مریم (علیه السلام) تا زمان تولد حضرت عیسی هستند و وجود چهار پسر و چندین دختر را برای حضرت مریم ذکر کرده اند.

اما کاتولیک ها و ارتدکس ها گروه های دیگر از مسیحیان، حضرت مریم (علیها السلام) را تا پایان عمر باکره می دانند و به استناد سنت کلیسایی که از پدران باقی مانده است، متون کتاب مقدس را تأویل می کنند. از نظر آنها، منظور عبارت هایی که یعقوب و یهودا را برادران عیسی (ع) معرفی می کنند، برادران دینی است، و منظور از فرزندان مریم نیز، فرزندان کاکا و یا فرزندان خاله ی اوست.

روایت قرآنی در مورد بی بی مریم:

مریم تنها زنی که نامش به صراحت در قرآن عظیم الشان 34 بار ذکر شده، و در جنب آن احترام که حضرت بی بی مریم در دین مقدس اسلام دارد ، سوره ی نوزدهم قرآن عظیم الشان به نام او و سوره ی سوم قرآن نیز به نام «آل عمران» که خانواده ی آنحضرت هستند، نام گذاری شده است.

قرآن مجید عظیم الشان خصوصیات بی نهایت عالی را برای حضرت مریم (علیها السلام) ذکر می کند: او دختر پیامبری به نام «عمران» است و تحت تکفل حضرت «زکریا» بزرگ شده است و مادرش بنابر نذری که داشت او را «محرر» ساخت. محرز کسی است که از تحت تسلط پدر و مادر رها شود تا تمامی اوقات خود را در عبادت خدا سپری کند، ملازم معبد باشد و جز برای امور ضروری خارج نشود.

قرآن عظیم الشان ، بی بی مریم را به صفاتی خاصی توصیف و تعریف نموده است : و آن گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهان برتری بخشید. ای مریم! فرمان بردار پروردگارت باش و همراه نمازگزاران سجده و رکوع کن.

چنان که ملاحظه می شود، قرآن عظیم الشان او را زنی برگزیده و پاک و ممتاز معرفی می کند و در پی این پاکی و عصمت است که فرشته ی خدا بر او نازل می شود، تا به او فرزندی پاک سیرت بخشد: روح الهی در او دمیده می شود و از خداوند معجزات بسیار می بیند. در نهایت پروردگار با عظمت ما بی بی مریم را الگویی برای همه ی کسانی که ایمان آورده اند معرفی می کند.

حضرت مریم از جمله زنان بهشتی است:

حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم مبین این فهم است که بی بی مریم یکجا با بی بی خدیجه ، بی بی فاطمه و آسیه اهل بهشت هستند.

در مسند احمد، مشکل الآثار: طحاوی و مستدرک حاکم از ابن عباس روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم روی زمین چهار خط را ترسیم نمود، سپس فرمودند: آیا می دانید اینها چه هستند؟ اصحاب فرمودند: خدا و رسولش بهتر می دانند. فرمود: بهترین

زنان اهل بهشت خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون هستند.

در صحیح بخاری از حضرت علی بن ابی طالب روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «**خیر نساءها مریم و خیر نساءها خدیجه**» (بهترین زنان بهشت مریم و بهترین زنان بهشت خدیجه هستند.) (بخاری: مناقب الانصار، تزویج النبی خدیجه و فضلها - فتح الباری (133/7)).

بی بی مریم اولین سردار بانوان بهشت است و به طور اطلاق برترین زنان است. طبرانی با سند صحیح مطابق با شرایط امام مسلم از حضرت جابر رضی الله عنه نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «**سيدات نساء الجنة بعد مریم ابنة عمران: فاطمه، و خدیجه و آسیه امرأة فرعون.**» (سردار بانوان بهشت بعد از مریم دختر عمران، فاطمه، خدیجه و آسیه همسر فرعون هستند). سلسله الاحادیث الصحیحه: (1424).

و اینکه مریم دختر عمران بطور کلی بهترین زنان هستند به نص قرآن ثابت است: «**وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ**» (آل عمران: 42) (تو حضور نداشتی) هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاکیزه ات داشته است، و تو را بر همه زنان جهان برتری داده است).

چرا چنین نباشد حال آنکه خداوند واضح و روشن بیان داشته که او را پذیرفته است: «**فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا**» (سوره آل عمران: 37) (خداوند، او (یعنی مریم) را به طرز نیکوئی پذیرفت، و به طرز شایسته ای (نهال وجود) او را رویانید (و پرورشش داد)، و زکریا (شوهر خاله او) را سرپرست او کرد). بلی، این چهار بانو نمونه و الگوی کاملی برای بانوان نیکو و شایسته هستند.

خداوند مریم دختر عمران را چنین توصیف نموده است: «**وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَانَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا مِنَ الْإِحْسَانِ**» (سوره التحريم: 12) (همچنین خداوند (از جمله زنان مومنه) مریم دختر عمران را مثل زده است که دامن به گناه نیالود و خود را پاک نگاه داشت، و ما از روح متعلق به خود در آن دمیدیم، و او سخنان پروردگارش و کتابهایش را تصدیق کرد، و از زمره مطیعان و فرمانبرداران خدا بود).

غذای «کاشر» در رستوانت های فلسطینی:

در حین بازدید در سفر تاریخی ما از شهر زیبا «ناصره» جنوری ۲۰۱۹م غرض صرف غذا به رستوانت مشهور بنام بحر الابيض المتوسط که از رستورانتهای در محل خوب توریستی لب بحر است رفتیم. مدیر این رستورانتهای الحاج ابو جواد میرشم شخص مؤدب و شخصیت با وقاری بود. اودر پذیرایی از مهمانان روش خاصی داشت و با تمام مراجعین برخورد صمیمی بعمل می آورد. از اینکه ما مهمانان خارجی بودیم، و مهماندار ما از اهل ناصره بود، بنا با اعزاز و قدر دانی از ما پذیرایی بعمل آورد. میز مناسب که بتوانیم از زیبای بحر مستفید شویم برای ما آماده ساخت و گارسون را برای سرویس غذا برای ما اختصاص داد.



بعد از صرف غذا با محترم ابوجواد مالک این رستوران هم صحبت شدیم و از وی در مورد اینکه مراجعین عمده این رستوران را کیه تشکیل میدهد، پرسیدم. ایشان در جواب گفتند که مراجعین رستوران ما را همه باشندگان این محل از جمله یهودان، مسلمانان، و مسیحیان تشکیل میدهد و از غذای های پخته شده در این رستوران اساساً مشکل وجود ندارد. در رستوران ما همه غذا های حلال طبخ می شود و از این غذا ها یهودان، مسلمانان و مسیحیان بطور نورمال استفاده می نمایند.

زمانیکه مراجعین یهودی داخل رستوران میشوند از غذای حلال می پرسند و در ضمن میگویند ما غذای «کاشر» میخواهیم.

قبل از همه باید گفت که مصرف

و تناول غذای از گوشت خوک در رستوران ها و هتل های بیت المقدس تل ابیب و سایر ولایت کمتر به چشم میخورد، یهودان اصلاً خوردن گوشت خوک را مانند مسلمانان حرام میدانند. مسیحیان در تناول غذای تقریباً تحت تاثیر مسلمانان و یهودان قرار گرفته اند.

دین یهودیت برای پیروان خویش در همه ای عرصه زندگی مانند دین مقدس اسلام هدایت و رهنمود های و فرماین خاصی را وضع و مقرر نموده و آنرا بنام قوانین و احکام **هالاخا** یا شریعت یهودی مسمی نموده است.

هالاخا عبارت از همان احکام و نظرات فقهی عالمان یهود است که به زعم شان با استناد به نص تورات و بر اساس اجتهاد و استنباط شخصی ایشان بیان شده اند. یهودیان به مجموعه قوانین مذهبی در باره خوراکی ها و نحوه آماده کردن غذا را به اصطلاح شریعتی شان «کشروت» تعبیر نموده اند.

کشروت در لغت به معنی شایستگی و مطابقت با آداب مذهبی است و کلمه «کاشر» به معنای آماده یا مناسب بودن برای استفاده متناسب با آداب مذهبی است. در ضمن، هر وسیله ای که موافق با آداب مذهبی ساخته شود یا حتی هر انسانی که شایسته و مطابق قوانین مذهبی عمل نماید، «وسیله یا انسان کاشر» مسمی میشود.

کلمه مخالف «کاشر» در بخش خوردنی ها عبارت از «**طارف**» است.

قوانین کشروت بطور کلی شامل سه موضوع اساسی ذیل می شود:

- نوع مواد غذایی،

- تهیه مواد غذایی ،
و نحوه مصرف مواد غذایی.

نوع مواد غذایی:

در تورت امر شده که میتوانید از گوشت آنچه از حیوانات چهار پا استفاده و تناول بعمل آرید که آن حیوانات سم شکافته داشته باشند ، و در ضمن نشخوار کننده باشند، اگر حیوانات فقط یکی از این صفات را داشته باشند ، نه تنها خوردن گوشت آنها حرام است ، بلکه لبنیات و سایر مواد بدست آمده از لبنیات نیز در شریعت یهودی حرام شمرده میشود. البته لبنیات در شریعت یهودی زمانی حلال شمرده میشود که از حیوانات کاشر بدست آمده باشد.

مواد غذایی چگونه تهیه شود؟

شرط اول در تهیه مواد غذای را در شریعت یهودی ، حلال بودن حیوان تشکیل میدهد این بدین معنی است ، گوشت های در مواد غذای باید مورد استفاده قرار گیرد که آن حیوان از جمله حیوانات حلال و از صحتمندی کامل برخوردار باشد .

شخصی که در حلال کردن حیوان سهم میگرد ، در یهودیت آنر « شوخت » می نامند. حکم شرعی در یهودیت همین است که قبل از ذبح حیوان باید توسط شخص کاشر دقیقاً معاینه شود ، حیوان ذبح شونده باید سالم و فارغ از زخم و شکستگی اندام باشد .

کارد ذبح باید کارد تیز باشد که حیوان در حین ذبح به کمترین عذاب مواجه شود ، بعد از ذبح حیوان توسط « شوخت » (قصاب) باید ریه و امحا و احشای حیوان ذبح شده را معاینه می کند تا از سلامتی آن مطمئن شود.

گوشت حیوان کاشر باید مدتی در نمک بماند تا همه خون آن خارج شود، چرا که برای یهودیان اکل خون حرام است

و ظروف که در آن شتشوی گوشت صورت میگیرد باید نظیف و تمیز باشد. همچنان «شوخت» یا قصاب باید بر امور حلال کردن حیوان بلدیت تام داشته باشد .

در پختن گوشت نباید گوشت همزمان با لبنیات شیری، یکجا پخته شود ،ترکاری باب ، سبزیها و میوه ها از کرم و حشرات پاک باشد .

بنأ در تناول غذا یهودان در رستوانت های مسلمانان با اشتهای خاصی غذا میخورند و مشکل چندان در این بابت ندارند ، ولی هستند یهودان مذهبی که حتی در رستوران های مسلمانان احتیاط حلال بودن دینی خود را رعایت مینمایند وبا احتیاط در رستوانت های مسلمانان غرض صرف طعام تشریف می برند .

همچنان مسلمانان غرض تناول غذا به رستوران های یهودی و مسیحی بطور ازدانه در شهر فلسطینی و یهودی رفت و آمد دارند و مطابق حکم پروردگار از غذای تهیه شده توسط آنان بخصوص از ذبیحه شان استفاده می کنند.قرآن عظیم الشان در این مورد می فرماید: « **الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَلٌ لَهُمْ** » یعنی:

« امروز برای شما چیزهای پاکیزه حلال کرده شده، و غذای اهل کتاب برای شما حلال است، و غذای شما برای آنها حلال است.» (سوره مائده 5)

آیه متذکره به صراحت دلالت بر حلال بودن طعام اهل کتاب دارد،(طعامهم: کشتارشان)، همچنانکه امام بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده است. در صحیحین-

بخاری و مسلم- از روایت انس بن مالک رضی الله عنه آمده « **أَنَّ يَهُودِيَّةً أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَاةٍ مَسْمُومَةٍ فَأَكَلَ مِنْهَا** » یعنی: یهودی گوشت گوسفندی مسموم را برای پیامبر به عنوان هدیه آورد و پیامبر از آن خورد...». این حدیث دلیلی بر حلال بودن ذبیحه اهل کتاب است، و گرنه، پیامبر صلی الله علیه وسلم از این گوسفند نمی‌خورد. اقوال علما نیز بر این مسئله تأکید دارند، و اکثر اهل علم، اجماع را بر این مسئله نقل کرده اند.

ابن قدامه می‌فرماید: (و خلاصه مطلب، هرکس از مسلمانان و اهل کتاب، توانایی ذبح کردن داشت اگر حیوانی را ذبح کرد، خوردن ذبیحه اش حلال است، حال فرقی نمی‌کند، آن شخص، مرد یا زن، بالغ یا صبی و آزاده یا بنده باشد، و در این باره هیچ اختلافی نمی‌بینیم). ولی ذبایح غیر یهودی و نصرانی (حال چه بت پرست باشد یا هندو یا بودایی یا مرتد یا لائیک یا و امثال آنها) در اینصورت ذبایح آنها به هیچ وجه حلال نیست زیرا نصوص شرعی بر حرام بودن آن ذبایح تأکید دارد: « **حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَفَقَةُ وَالْمَوْفُودَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ** » (سوره مائده 3) یعنی: گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه‌شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده -مگر آنکه (بموقع به آن حیوان برسید، و) آن را سرببرید- و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می‌شوند، (همه) بر شما حرام شده است. البته شرط آن اینست که:

- ذبایح آنها برای غیر خدا نباشد، در صورتیکه برای غیر الله باشد جایز نیست.
- شخصی که ذبح کننده است، از دین خود مرتد نشده باشند، یعنی ذبیحه کسی که قبلاً یهودی بوده ولی الان به دین خود معتقد نیست گوشت حلال شده آن، حلال نیست.
- در ضمن اگر ذبح بصورت غیر شرعی باشد (مثلاً با شک الکتریکی کشته شده باشد و یا بنوعی خفه شده باشند) جایز نیست، زیرا در اینحالت در حکم مردار خواهد بود و مردار حلال نیست..

اگر مسلمانی عمداً اسم الله تعالی را در حین ذبح حیوان ترک کند، ذبیحه آن حلال نیست. قرآن عظیم الشان در این مورد می‌فرماید: « **وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ** » (سوره انعام 121) یعنی: از گوشت حیوانی نخورید که (به هنگام ذبح عمداً) نام خدا بر آن برده نشده است؛ چراکه خوردن از چنین گوشتی نافرمانی (از دستور خدا) است. و باز هم در (آیه 118 سوره انعام) می‌فرماید: « **فَكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ** » یعنی: «پس از گوشت چهارپایانی بخورید که به هنگام ذبح نام الله را بر آن برده‌اند، اگر به آیات خدا ایمان دارید».

شرعیت دین مقدس اسلام رهنمودها و دستاورد علمی و متعددی را در قرآن عظیم الشان و احادیث نبوی و احکام فقهی در مورد ذبح شرعی وضع نموده است:

شرعیت اسلامی تأکید نموده است که: الت و ابزار ذبح باید تیز باشد، بگونه‌ای که خون جاری سازد و گلو را ببرد و قطع کند از قبیل کارد و چاقو و سنگ تیز و

چوب تیز و برنده و شمشیر و شیشه و نی نوک تیز و برنده‌ای که چون‌کارد و چاقو ببرد و استخوان تیز بجز ناخن و دندان:
قابل تذکر است که اگر مسلمانی در هنگام ذبح فراموش کرده باشد تا اسم الله تعالی را بر زبان آورد، حکم شرع همین است که چون این فراموشی عمدی نیست، کافیت که هنگام خوردن بر آن نام الله برده شود.

در صحیح بخاری از ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایت شده که فرمودند: «أَنَّ قَوْمًا قَالُوا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ قَوْمًا يَأْتُونَنَا بِاللَّحْمِ لَا نَدْرِي أَدُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمْ لَا فَقَالَ سَمُّوا عَلَيْهِ أَنْتُمْ وَكَلُّوهُ قَالَتْ وَكَانُوا حَدِيثِي عَهْدٍ بِالْكَفْرِ» (بخاری) یعنی: گروهی به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتند: قومی برای ما گوشت آورده اند، و ما نمی دانیم که آیا آنها هنگام ذبح اسم خدا را بر آن برده اند یا نه؟ پیامبر فرمودند: نام خدا را بر آن ببرید و بخورید. عائشه رضی الله عنها می گوید: آن قوم تازه مسلمان شده بودند. لذا چون قومی که گوشت آورده بودند مسلمان بودند و از طرفی معلوم نبود که آیا (بدلیل نا آشنا بودن به احکام ذبح) هنگام ذبح اسم الله را آورده اند یا خیر؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم بدانها می فرماید که هنگام خوردن اسم خدا را بیاورند.

ذبیح اهل کتاب (یهودی و نصرانی) (مسیحی) نیز برای مسلمانان حلال است. به شرطیکه آن اهل کتاب از دین خود مرتد نشده باشند. یعنی ذبیحه کسی که قبلاً یهودی بوده ولی الان به دین خود معتقد نیست (و اسلام هم نیاورده) حلال نیست.

بازدید از شهر زیبا بیت لحم:

جنوری ۲۰۱۹م

ما بعد از اینکه از محل بود و باش وقریه که بی بی مریم در آن حامله شده بود، بازدید نمودیم به سفر خویش به شهر زیبا بیت لحم، شهر یکی بنابر بر روایات تاریخی و بخصوص مطابق روایات کتب چهارگانه اناجیل در آن متولد گردیده است ادامه دادیم.

قبل از همه باید گفت که حضرت عیسی علیه السلام که به نام عیسی ناصری شهرت داشت و شخصیت مرکزی در دین مسیحیت است، و مسیحیان معتقد اند که وی پسر خدا است و در شهر بیت لحم که از مربوطات ولایت ناصره می باشد چشم به جهان گشوده است.



در کتب اناجیل در مورد ولادت حضرت عیسی آمده است: «حضرت مریم به همراه شوهر یا نامزد خویش یوسف نجار برای شرکت در احصایه گیری (نفوس شماری) به جنوب فلسطین یعنی بیت لحم سفر نموده بود، بخاطر ازدحام که در شهر وجود داشت جایی را پیدا نمی‌کنند و مجبور می‌شوند در یک اخور شب خویش را سپری نمایند، که در همان شب، عیسی به دنیا می‌آید، بدین ترتیب محل ولادت حضرت عیسی علیه السلام را اناجیل اخور گوسفندان در ولایت بیت لحم معرفی می‌دارند. مطابق روایات اناجیل در این اخور گوسفندان در همان شب دونفر هم حضور داشته‌اند؛ یکی یوسف نجار و دیگری مریم. اناجیل می‌افزایند:

وقتی عیسی مسیح در آن اخور گوسفندان به دنیا آمد، فرشتگان، چوپان‌هایی را که در اطراف آن منطقه بودند، خبر کردند که بیائید در اینجا طفل نوزاد مبارکی به دنیا آمده است و مجوسی‌هایی که از شرق به آن منطقه آمده بودند به دنبال یک ستاره که در محل تولد، طلوع کرده بود به آن منطقه رفته بودند؛ و وقتی هم که مردم به آنجا آمدند، همگان فکر می‌کردند که عیسی فرزند مریم و یوسف است و طبق گزارش اناجیل، هیچکس اطلاع نداشت که حضرت عیسی پدر ندارد.

قرآن عظیم الشان و مکان ولادت حضرت عیسی (ع):



اما قرآن عظیم الشان نامی از یوسف نجار نمی‌برد و بیان می‌کند که در محل تولد حضرت عیسی فقط حضرت بی بی مریم تنها و تنها بود.

قرآن عظیم الشان در آیات (22 و 23 سوره مریم) در مورد محل ولادت حضرت عیسی می فرماید: «فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا، فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا» (پس [مریم] به او [=عیسی] حامله شد و با او به مکان دور افتاده‌ای پناه جست، تا درد وضع او را به سوی تنه درخت خرمايي کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم). حکم اسلامی در مورد مکان ولادت حضرت عیسی که در کدام منطقه از شهر بیت الحم صورت گرفته، بصورت کل چیزی نمی گوید، ولی قرآن عظیم الشان زمانیکه ذکرى از داستان حضرت عیسی علیه السلام را به میان می آورد، تذکر میدهد که ولادت حضرت عیسی در مکان دور تر در نزدیک تنه درخت خرما صورت گرفته، بدون اینکه ذکر نماید که درخت خرما در کدام منطقه.

همچنان پروردگار با عظمت ما در آیات (16 تا 25 سوره مریم می فرماید: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا» ﴿١٦﴾ و در این کتاب از مریم یاد کن آنگاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت ﴿١٦﴾ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد ﴿١٧﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا ﴿١٨﴾ [مریم] گفت اگر پرهیزگاری من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾ گفت من فقط فرستاده پروردگار توام برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم ﴿١٩﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾ گفت چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام ﴿٢٠﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَفْضِيًّا ﴿٢١﴾ گفت [فرمان] چنین است پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است و تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم و [این] دستوری قطعی بود ﴿٢١﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾ پس [مریم] به او [=عیسی] حامله شد و با او به مکان دور افتاده‌ای پناه جست ﴿٢٢﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا ﴿٢٣﴾ تا درد زایمان او را به سوی تنه درخت خرمايي کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم ﴿٢٣﴾ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾ پس از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد که غم مدار پروردگارت زیر [پای] تو چشمه آبی پدید آورده است ﴿٢٤﴾ وَهَٰؤُلَاءِ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾ و تنه درخت خرما را به طرف خود [بگیر و] بنکان بر تو خرماي تازه می‌ریزد ﴿٢٥﴾

حکم کلی دین مقدس اسلام در مورد مکان ولادت و داستان ولادت حضرت عیسی همین است که: زمانیکه بی بی مریم به عیسی علیهما السلام حامله شد و وقت وضع حل فرا رسید و در کنار تنه درخت خرمايي زایمان کرد، و طفل خویش را در سینه خویش محکم گرفت و به نزد قوم خویش برگشت، مردم محل او را ملامت نمودند تا اینکه خود حضرت عیسی علیه السلام به سخن زدن آغاز کرد و به دفاع از مادرش پرداخت و این داستان زیبا در سوره مریم آیات 27 و 29 چنین بیان یافته است:

« فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا * يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا * فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا »
(مریم 27-29).

یعنی : (مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد؛ گفتند: ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بد کاره‌ای!، (مریم) به او اشاره کرد؛ گفتند: چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم..

در آیه متبرکه کلمه : «ای خواهر هارون» آمده که در اشاره به هارون برادر حضرت موسی نیست ، مطابق روایت هارون برادر موسی دو هزار سال قبل وفات یافته بود ، بلکه هارون در آیه متبرکه اشاره به شخص نیگو کاری است که در زمان بی بی مریم زندگی میگرد .

در حدیث شریف به روایت مغیره بن شعبه رضی الله عنه آمده است که گفت: «لَمَّا قَدِمْتُ نَجْرَانَ سَأَلُونِي، فَقَالُوا: إِنَّكُمْ تَقْرَأُونَ يَا أُخْتُ هَارُونَ، وَمُوسَى قَبْلَ عِيسَى بِكَذَا وَكَذَا، فَلَمَّا قَدِمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَمُّونَ بِأَنْبِيَائِهِمْ وَالصَّالِحِينَ قَبْلَهُمْ».

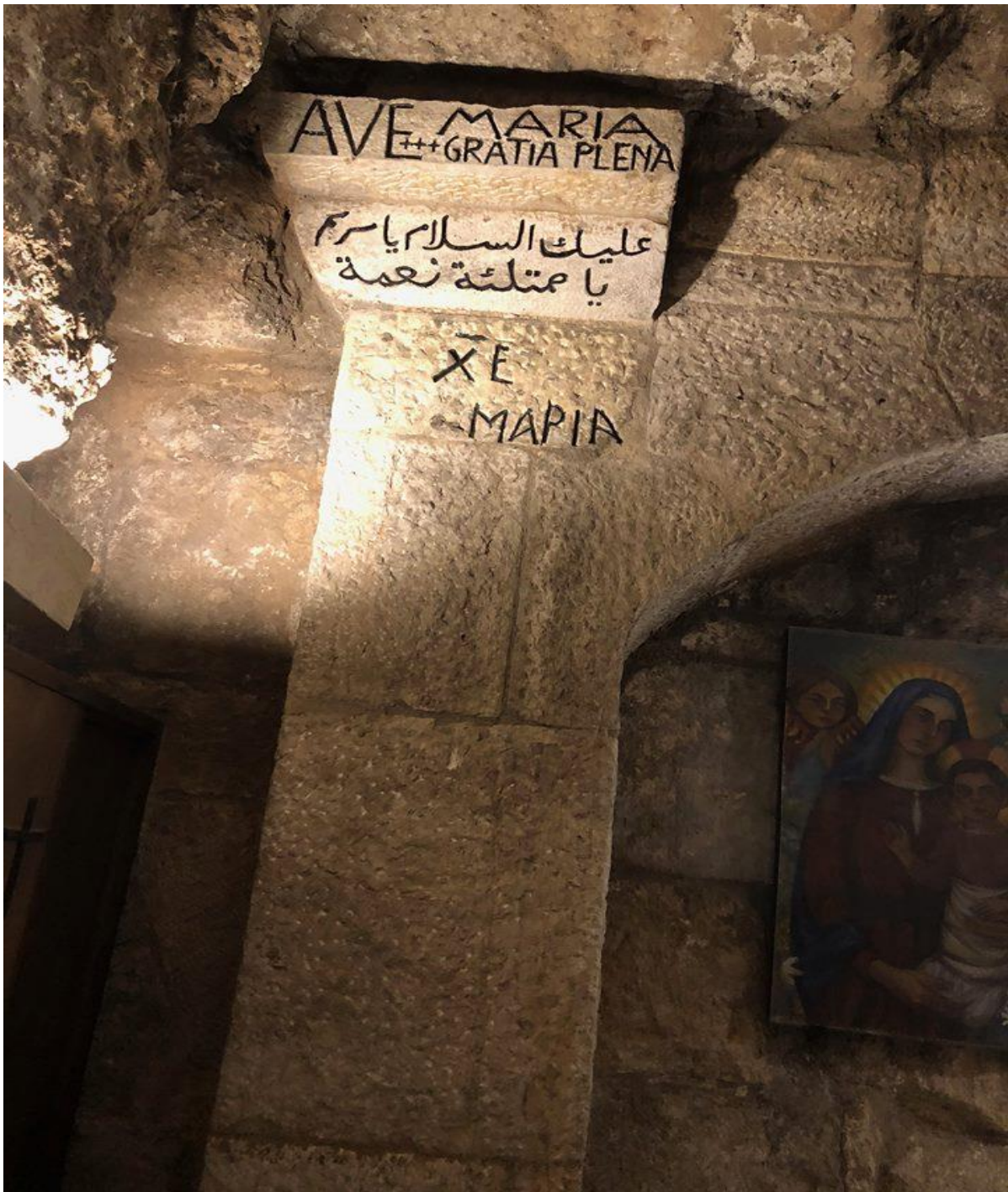
یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا به سوی مردم نجران فرستادند، مردم نجران (که نصاری بودند) به من گفتند: بنگر که شما در قرآن خود می‌خوانید «ای خواهر هارون» در حالی که موسی سالیان سال قبل از عیسی زندگی می‌کرد؟! راوی می‌گوید: پس چون بازگشتم، این سخنان را با رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان گذاشتم، فرمودند: آیا به آنان نگفتی که مردم در آن زمان فرزندان خود را به نام پیامبران و صالحان پیشین نامگذاری می‌کردند، یعنی شیوه و عادتشان چنین بود؟!...». مسلم (2135) و ترمذی (3155).

علامه عبدالرحمن سعدی در تفسیر خود می نویسد : «ظاهرا هارون برادر حقیقی مریم بوده و او را به هارون نسبت دادند، و (سنت قوم آنان) این بود که اسم انبیاء را بر فرزندان خود می گذاشتند، و این هارون، هارون برادر موسی علیهما السلام نیست، زیرا بین آنها (مریم و هارون نبی) قرنهای بسیاری فاصله است».

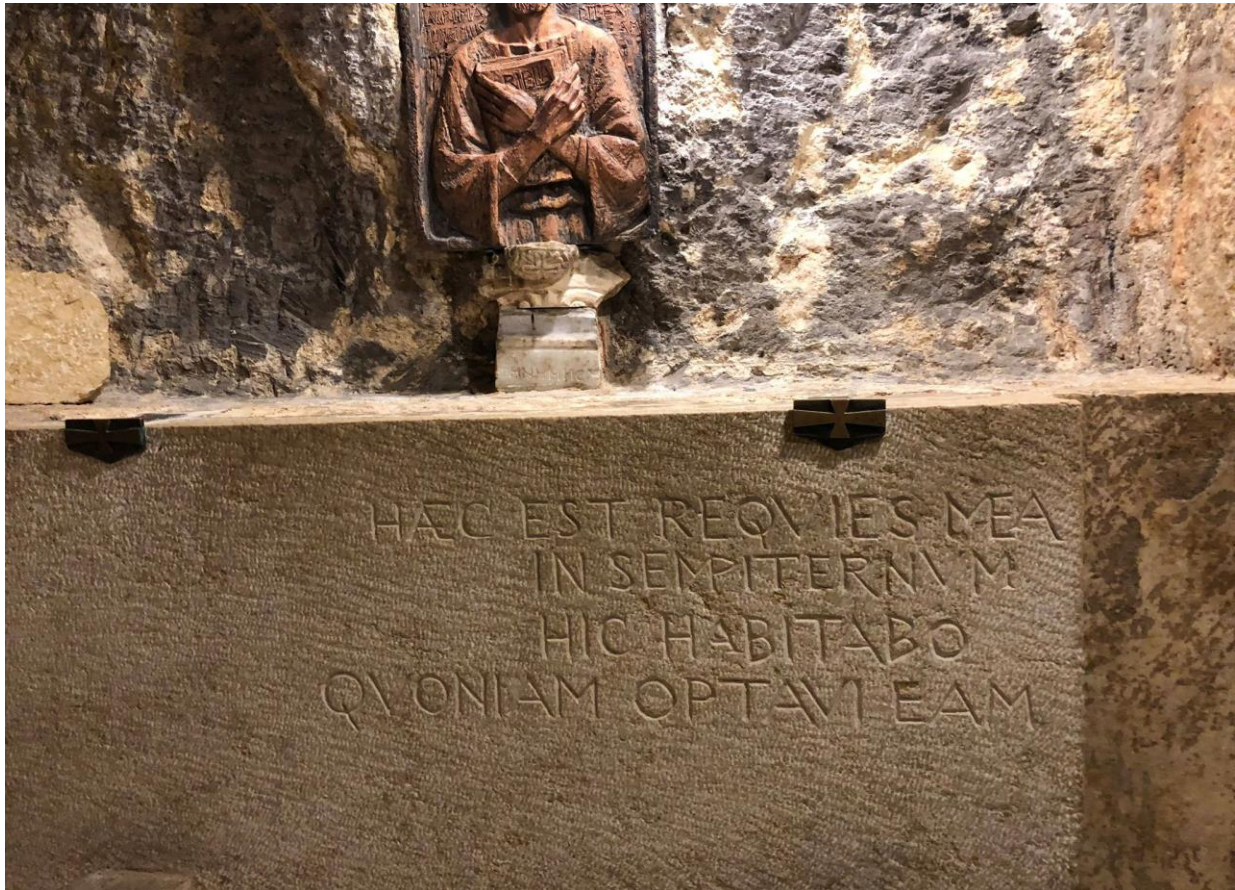
- به‌قولی دیگر؛ معنی این است: ای کسی که ما او را در صلاح و عبادت و زهد مانند هارون برادر موسی علیهما السلام می‌پنداشتیم، آخر چگونه مرتکب چنین عملی گردیدی؟ یعنی: آنان مریم علیها السلام را در صلاح و عبادت به هارون برادر موسی علیهما السلام تشبیه کردند.

- و امام ابن کثیر به نقل از سدی گفته : «منظور از خواهر هارون، چون مریم از نسل و تبار هارون علیه السلام بود، (برای همین بود که به او خواهر هارون می گفتند) چنانکه مثلا به افراد قبیله تمیم می گویند : ای برادر تیمیم، و به افراد قبیله مضر می گویند : برادر مضر».

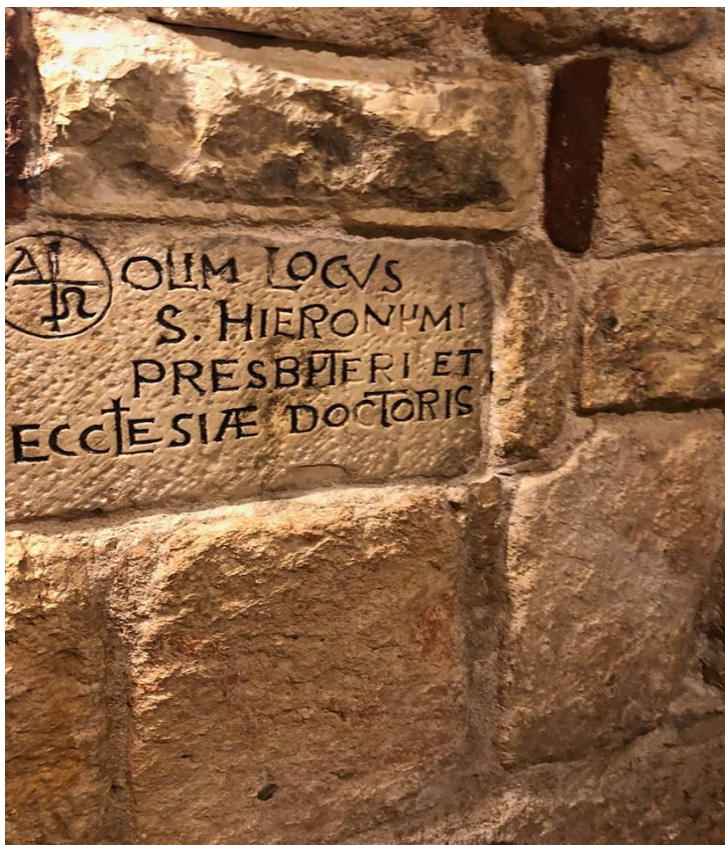
روایت مسیحیان در مورد محل ولادت حضرت عیسی:



فرقه های مختلف مسیحیان هم در مورد محل ولادت حضرت عیسی بین خود به اختلاف پرداختند ، ولی اکثریت شان بدین امر معتقد اند که حضرت عیسی علیه السلام در بیت لحم متولد گردیده است .
بازدید ما از شهر زیبا ، تاریخی بیت لحم و از جمله کلیسا بزرگ بنام کلیسا « ولادت » در ماه جنوری 2019 صورت گرفت .
بعد از بازدید از مساجد مشهوری این شهر از جمله مسجد تاریخی عمر بن الخطاب به کلیسا که به عقیده مسیحیان محل ولادت حضرت عیسی است سر زدیم .



کلیسا «مهد» یا کلیسا «ولادت» در زمان امپراتور رومی کنستانتین (قسطنطنیه) در سال 335 میلادی بنا گردیده است، و یکی از قدیمی‌ترین کلیساهای فلسطین و جهان به‌شمار می‌رود.



شهر بیت لحم از لحاظ اداری از مربوطات ولایت ناصره بحساب می‌آمد، امروز این شهر بنا بر موجودیت کلیسا «مهد» و یا هم کلیسا «ولادت» بحیث شهر مشهوری توریستی در بین سیاحین و مورخین مبدل گردیده است.

ساختمان کلیسا «مهد و یا کلیسا ولادت» بی نهایت زیبا است و معماری درونی آن به مسجدالاقصی شباهت دارد. و مؤرخان تاکید میدارند که درخت خرما که بی بی مریم در نزدیک آن ولادت نمود در همین محل تحتانی فعلی کلیسا قرار داشت.



در منزل تحتانی این کلیسا غار مشهور ولادت حضرت عیسی وجود دارد و در آنجا در سنگ مرمری وجو دارد که آن به زبان لاتین چنین حک شده است:

«Hic de Virgine Maria Jesus Christus natus est» در اینجا عیسی مسیح از مریم مقدس متولد شد» و 15 قنديل که نمایانگر 15 گروه مسیحی است در آنجا قرار دارد.

شهر بیت لحم از جمله شهر های تاریخی فلسطین است ، این شهر در 10 کیلومتری بیت المقدس در ارتفاع 756 متر از سطح بحر موقعیت دارد ، بیت لحم به زبان عبری «خانه نان» میباشد . شهر بیت لحم در عهد عتیق نیز معروف بوده ، و میگویند که حضرت داوود علیه السلام نیز در همین شهر متولد و دوران کودکی خویش و حتی زمامداری حکومت 7 ساله خویش را در همین شهر سپری نموده است .

اکثریت مؤرخین در تواریخ خویش بر این نقطه تاکید می ورزند که «راحیل» همسر حضرت یعقوب و مادر یوسف علیه السلام نیز در همین شهر مدفون است . (رساله سلسه مدن الفسطینه ، بیت لحم 1998 م صفحه 12 نوشته مصطفی وولید)

مطابق روایات سیرت نویسان رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفر معراج از این شهر بازدید نموده و به سفارش جبرئیل علیه السلام در محل ولادت حضرت عیسی نماز خوانده است . (المقریزی ، امتاع الاسماع ، 1420 ق جلد 8 ، صفحه 174 و 276)

بیت لحم توسط مسلمانان در سال 16 ق بعد از فتح بیت المقدس در زمان امیرالمومنین حضرت عمر (رض) فتح گردید .

طوریکه در فوق هم تذکر دادیم مسجد بزرگی در این شهر در مقابل و روبروی «کلیسا ولادت» بنام امیر المؤمنین حضرت عمر در سال 860 میلادی سال 15 هجری تهداب گذاری و اعمار گردید که البته این مسجد بعد ها در سالهای 1955 میلادی یکبار دیگر ترمیم و بازسازی گردیده است . (بکر ، سید ، عبدالمجید ،) اشهر المساجد فی الاسلام (مطابع سحر ، جده ، عربستان سعودی؛ چاپ اول، انتشار سال ۱۹۸۵ میلادی. (به زبان عربی).

پایان

امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

بیت لحم جنوری 2019